

بی عملی نمایندگی های فرهنگی ایران

نیوشا طبیبی گیلانی
روزنامه‌نگار

ایران که بر صدر اخبار می‌نشیند - مثل همین روزها - هر جا که می‌روم، آنهایی که می‌دانند ایرانی هستیم، مسلسل‌وار از من درباره وضعیت منطقه و سایه جنگی که بر سر آن خیمه زده می‌پرند. در جامعه‌ای که همچنان چپ‌گرایی و حمایت از مظلوم ارزش محسوب می‌شود و تاحدی - نسبت به دیگر جوامع غربی - هنوز دچار بی‌اعتنایی و بی‌زادگی نشده، بسیاری از این پرسش‌ها عجیب هستند. عرض می‌کنم که درباره چه چیزی صحبت می‌کنم:

من در مادرید زندگی می‌کنم. اسپانیا یکی از کشورهایی است که موضعی واقع‌بینانه و ضدتانیها و اعمال غیرانسانی و جنایات جنگی اش گرفته، نخست‌وزیر که رئیس دولت محسوب می‌شود و از حزب سوسیالیست اسپانیاست، بارها بر به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی پای فشرده و جنایات اسرائیل و نسل‌کشی و قتل عام در غزه و لبنان را محکوم کرده و می‌کند. روزی نیست که در شهرهای مختلف اسپانیا به خصوص در مادرید تجمعات و مجالسی در حمایت از فلسطین و لبنان برپا نشود. در کوچه‌ها و خیابان‌ها که راه می‌روید خانه‌هایی را می‌بینید که از نرده‌های ایوان‌هایشان پرچم فلسطین و لبنان آویخته‌اند.

اما همین مردمی که اکثریت جامعه اسپانیا را تشکیل می‌دهند، به هیچ‌وجه از علت درگیری ایران و اسرائیل خیر ندارند. اصلاً نمی‌دانند که موضع ایران درباره این مسئله چیست. نمی‌دانند که ایران راه حل دموکراتیک و بشردوستانه برگزاری همه‌پرسی سراسری در تمام اراضی اشغالی را پیشنهاد می‌کند و در حمایت از مردم مظلوم غزه، موضع می‌گیرد و البته خود دچار هزاران مشکل می‌شود. البته که کم‌کاری دستگاه تبلیغاتی ما، عقب افتادن از شیوه‌های اطلاع‌رسانی روزین و نداشتن هیچ انگیزه‌ای به این وضعیت دامن می‌زند. حقیقتاً باید پرسید که در این وضعیت خاص و در تمام سال‌های گذشته، ریزش‌های فرهنگی ایران در کشورهای مختلف چه کاری به جز برگزاری مراسم بیست و دوم بهمین ماه و چند برنامه مذهبی عزاداری و جشن انجام می‌دهند؟ ریزش فرهنگی ایران در اسپانیا در شرایط امروز که باید تحرکی از خود نشان دهد و با بهره‌گیری از توان ایرانیان ساکن این کشور به روشن کردن آذهان عمومی درباره موضع ضد جنگ و اخلاق‌مدارانه ایران اقدام کند، دچار سکون و بی‌عملی است. دریغ از اینکه ریزش محترم حتی یکبار اقدام به شناسایی ظرفیت‌های فرهنگی ایرانیان مقیم محل ماموریت خود کرده باشد. این بی‌عملی، سکون و سکوت، البته به‌ضرر منافع ملی ماست.

بعد از انتخاب آقای دکتر پزشکیان، عده زیادی از ایرانیان - که با تحمل فحش، ناسزا و آماج اتهام قرار گرفتن رأی داده بودند - آماده بودند تا برای کشورشان کاری بکنند. فضایی بسیار شیبه بعد از دوم خرداد ۷۶ و بعد از انتخاب دولت اول آقای روحانی. امید دوباره زنده شده بود و شعار «وفاق ملی»، مانند «ایران برای همه ایرانیان» بسیاری را امیدوار به بهبود شرایط کرده بود. افسوس که نمایندگی‌های ایران چنان دچار بی‌عملی، بی‌انگیزگی و روزمره‌گی هستند که به هیچ‌وجه نتوانستند از این فضای تازه بهره‌ای ببرند و از ظرفیت بسیار بزرگ ایرانیان خارج از کشور به رایگان استفاده نکنند. حداقل کاری که می‌شود در این شرایط انجام داد، اطلاع‌رسانی به‌دور از شعارزدگی به جمعیت‌ها و اتحادیه‌های پیشرویی است که هم‌اکنون در جامعه اسپانیا پرچم حمایت از غزه و لبنان را بلند کرده‌اند و موضعی علیه جنایات جنگی نتانیها گرفته‌اند؛ موضعی که تأثیر بسیار مثبتی بر افکار عمومی جامعه اسپانیا دارد، اما هیچ‌کس در اینجا شعار «به ایران حمله نکنید» نمی‌دهد. اصلاً از وضعیت ما و دلیل خصومت اخیر خبر ندارند. در این بخش رسانه‌های وابسته موفق شده‌اند روایتی را بیابانند که در آن ایران محرک و عامل حمله هفتم اکتبر تلخی می‌شود و از این‌منظر اسرائیل را واجد حق دفاع از خود قلمداد می‌کند. مظلوم ایران، که هیچ‌کس نیست که از او دفاع کند و بگوید ایران بارها و بارها اعلام کرده که از چنین برنامه‌ای بی‌خبر بوده، ایران که هیچ خود رهبران سیاسی حماس هم از این حمله بی‌خبر بوده‌اند.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۰۸۸۷۴۹۳۰۰ | تحریریه: ۰۰۸۸۷۳۰۲۹۱ | آگهی‌ها: ۰۰۸۸۷۳۵۲۰۵ | نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. | تلفن چاپخانه: ۰۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ | توزیع: نشر گستر امروز نوین | تلفن: ۰۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاسچی

مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
سردبیر: محمدجواد روح | معاون سردبیر: مهرداد خدیو | امید عرب (مدیر آنلاین)
دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) | آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) | سمیه متقی (سیاست) | الناز محمدی (جامعه) | آرش خاموشی (عکس)
مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) | حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



مالکیت معنوی در خطر است

اقدام جدید انتشارات پنگوئن رندوم هاوس در برابر استفاده ابراهای هوش مصنوعی از محتوای کتاب‌هایش

بعران اصالت

پیش‌تر نیز برخی نویسندگان آمریکایی شمالی شکایتی علیه OpenAI مطرح و ادعا کرده بودند، این شرکت کپی‌رایت آثارشان را نقض کرده و ابزار ChatGPT را با کپی کردن بخش‌های بزرگی از متن و استخراج اطلاعات از آن، آموزش داده‌اند.

در همان زمان انجمن نویسندگان بریتانیا نیز از نامه‌ای که همتایان آمریکایی‌شان منتشر کرده، حمایت خود را اعلام کرده بودند. این انجمن پیش‌تر هم راهنمایی‌هایی برای نویسندگان در مورد نحوه محافظت از خود و کارشان در برابر بهره‌برداری توسط هوش مصنوعی منتشر و اعلام کرده بود که در حال ایجاد یک گروه ویژه برای حمایت از این صنعت در برابر تحولات هوش مصنوعی است.

موضوع اعتراض به استفاده ابراهای هوش مصنوعی از ماحصل زحمات نویسندگان محدود به انتشار چند نامه نیست. سال گذشته فیلمنامه‌نویسان هالیوود در اقدامی هماهنگ دست به اعتصاب زدند تا از شغل خود در برابر هوش مصنوعی محافظت کنند. هرچند آنها خواسته‌های دیگری را نیز مطرح کردند، اما چالشی که هوش مصنوعی برای این نویسندگان ایجاد کرده بود، در صدر قرار داشت. در نهایت توافق شد که از هوش مصنوعی برای نوشتن فیلمنامه و دیالوگ استفاده نشود و تنها برای انجام کارهای تکراری و کم‌اهمیت‌تر مورد استفاده قرار گیرد.

جی. کی. رولینگ، خالق مجموعه داستان‌های هری پاتر نیز پیش‌تر به‌شدت از استفاده غیرمجاز از شخصیت‌های این مجموعه پرطرفدار توسط هوش مصنوعی انتقاد کرده و بر اهمیت حفظ حقوق مالکیت معنوی تأکید کرده بود. او معتقد بود که این کار به خلاقیت و اصالت آثار ادبی لطمه می‌زند.

تنها نویسندگان نیستند که به نقض اشکار حقوق‌شان از سوی شرکت‌های توسعه‌دهنده ابراهای هوش مصنوعی اعتراض دارند، بلکه سایر هنرمندان از جمله موسیقیدانان و خالقان آثار هنرهای تجسمی نیز به این مسئله انتقاد دارند و معتقدند، استفاده غیرمجاز از این آثار می‌تواند به اصالت و ارزش هنری این آثار آسیب وارد کند. اعتراض به استفاده از هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف هنری و ادبی، یک موضوع گسترده و پیچیده است. هنرمندان و نویسندگان در سراسر جهان نگران هستند که گسترش نفوذ هوش مصنوعی در همه عرصه‌ها بتواند به جایگزینی آنها منجر شود و به ارزش آثارشان لطمه بزند.

خلاقیت آموزشی است؟

گفته می‌شود مشاغلی که به خلاقیت انسانی نیاز دارند، همچنان در رد اختیار انسان‌ها باقی می‌مانند و ابزارهای هوش مصنوعی نمی‌توانند در این حوزه رقابت کنند. بر این اساس داستان‌نویسان و هنرمندان قاعدتاً نباید در این خصوص نگرانی داشته‌باشند، زیرا فعالیت‌هایشان به‌شکلی ویژه با خلاقیت در هم آمیخته است. اما این انحصار نیز غیر قابل شکستن نیست. تحقیقات نشان داده که می‌توان با آموزش ابراهای هوش مصنوعی، این بخش را پرورش داد. البته این پرورش‌یافتگی به معنای خلاقیت انسانی نیست، بلکه می‌تواند خلاقیتی را که در آثار نویسندگان وجود دارد، به‌شکل مناسبی تقلید کند. اقدامات پیشگیرانه و اعتراضات نویسندگان و هنرمندان دقیقاً به همین مسئله اشاره دارد. آنها معتقدند، تقلیدهای هوش مصنوعی هم می‌تواند تشخیص اصالت آثار را مخدوش کند و هم این قابلیت را دارد که در برخی بخش‌ها، نویسندگان و هنرمندان حرفه‌ای را به‌مرور زمان کنار بزند یا در کمترین حالت، به درآمد آنها آسیب برساند. به همین دلیل اهمیت محافظت از کپی‌رایت آثار، امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته و اقدام جدید پنگوئن رندوم هاوس می‌تواند به شکل‌گیری اقدامات مشابه از سوی سایر ناشران منجر شود و شرکت‌های توسعه‌دهنده ابراهای هوش مصنوعی را با چالش‌های حقوقی تازه مواجه کند.

امیرا حسینی
خبرنگار گروه فناوری

جدال بر سر آسیب‌هایی که رشد و توسعه غیرمسئولانه هوش مصنوعی می‌تواند وارد آورد، همچنان ادامه دارد. هوش مصنوعی به‌عنوان یک دانش فناوریانه پیشرفته، به حوزه‌های مختلفی سرک می‌کشد. در واقع بخش مهمی از پیشرفت هوش مصنوعی در گروه همین سرک کشیدن هاست، زیرا ابزارها با یادگیری و آموزش بهبود می‌یابند و هر چه به دامنه اطلاعات و دانش آنها افزوده شود، کارآمدتر خواهند بود و پاسخ‌های درست و دقیق‌تری ارائه می‌دهند. اما پیرامون آنکه برای آموزش ابراهای هوش مصنوعی از چه اطلاعاتی می‌توان بهره برد، اختلافاتی وجود دارد. در این میان از یک‌سوی محافظت از داده‌های مردم و حریم شخصی آنها اهمیت می‌یابد و از دیگر سو اختلافاتی در خصوص کپی‌رایت آثار مورد استفاده مطرح می‌شود.

در جدیدترین اقدام، انتشارات پنگوئن رندوم هاوس (Penguin Random House) به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ناشران جهان، هشدار داد که به صفحات کپی‌رایت کتاب‌هایش اضافه کرده که به‌موجب آن شرکت‌ها اجازه ندارند از محتوای آنها برای آموزش هوش مصنوعی استفاده کنند.

به حقوق نویسندگان احترام بگذارید

انتشارات پنگوئن رندوم هاوس که سال‌ها قبل از ادغام دو انتشاراتی بزرگ «پنگوئن بوکز» و «رندوم هاوس» ایجاد شده، اکنون در کتاب‌های جدید و چاپ مجدد عناوین قدیمی، عبارت «ناباید هیچ بخشی از این کتاب به‌هیچ‌وجه برای آموزش فناوری‌ها یا سیستم‌های هوش مصنوعی استفاده یا تکثیر شود» را به چاپ می‌رساند. به گزارش تک‌کراچ، در حالی که در حال حاضر در چندین پرونده قضایی جدالی بر سر استفاده از مطالب دارای کپی‌رایت برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی در جریان است، به‌نظر می‌رسد پنگوئن رندوم هاوس اولین ناشر بزرگی باشد که در صفحات کپی‌رایت خود به انعکاس این نگرانی جدید پرداخته است. البته این ناشر قدیمی پیش‌تر گفته بود، مخالف استفاده از هوش مصنوعی نیست و به‌طور مسئولانه از ابزارهای هوش مصنوعی مولد استفاده می‌کند، اما در عین حال دفاع از مالکیت معنوی نویسندگان و هنرمندان را بر خود وظیفه می‌داند.

مسئله دفاع از مالکیت معنوی نویسندگان و هنرمندان در برابر ابراهای هوش مصنوعی در یکی، دو سال اخیر به‌سوزهای داغ بدل شده است. سال گذشته نویسندگانی از جمله مارگارت اتوود و فیلیپ پوملن، نامه‌ای سرگشاده را امضاء کردند که در آن از شرکت‌های هوش مصنوعی خواسته می‌شد تا از استفاده از آثار نویسندگان بدون رضایت آنها دست بردارند. این نامه سرگشاده که توسط انجمن نویسندگان بزرگ‌ترین سازمان حرفه‌ای نویسندگان آمریکان تنظیم شده بود، خطاب به مدیران عامل OpenAI، الفابت (شرکت مادر گوگل)، متا و... بود که از این شرکت‌ها می‌خواست هم برای استفاده از موارد دارای کپی‌رایت از آنها اجازه بگیرند و هم با توجه به آسیبی که ممکن است استفاده از این آثار به درآمد نویسندگان برساند، به‌شکلی منصفانه این آسیب‌ها را جبران کنند.

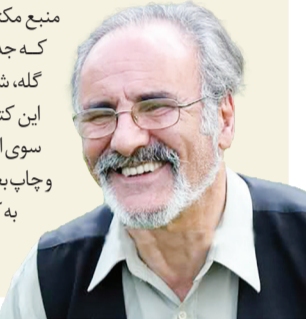
در این بیانیه آمده بود که ظهور فناوری هوش مصنوعی به‌تشدید چالش‌های درآمدی این قشر منجر می‌شود و ممکن است آنها را ناچار به ترک حرفه خود کند. این اتفاق مشکلی بزرگ فقط برای این افراد که برای کل جامعه خواهد بود، زیرا به کاهش تعداد کتاب‌های بزرگی که نوشته و منتشر می‌شوند، می‌انجامد. این بیانیه تأکید کرده بود یک فرهنگ آزاد و دموکراتیک به یک اکوسیستم سالم و متنوع وابسته است که در آن همه دیدگاه‌ها و صداها شنیده می‌شوند و تبادل ایده‌ها در جریان است. استفاده نابجای ابراهای هوش مصنوعی از محتوای آثار نویسندگان می‌تواند به این اکوسیستم آسیب بزند.

چهره

فیلمساز خارج از جریان

۳۰ مهرماه ۱۳۸۴، فریدون گله، کارگردان و فیلمنامه‌نویس ایرانی از پس سال‌ها سکوت و در پی خبری درگذشت. نخستین فیلم او، «شب فرشتگان» (۱۳۴۷) کاملاً در سینمای بدنه قرار داشت. دو فیلم بعدی او؛ «کافر» و «دشنه» که هر دو در سال ۱۳۵۱ ساخته شدند اما چرخشی قابل توجه را در مضمون، شخصیت‌پردازی و لحن از خود بروز دادند که او را به سینمای خیابانی و اعتراضی نزدیک کردند. سه‌گانه‌ای که گله را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فیلمسازان سینمای خیابانی مطرح کرد: «زیر پوست شب» (۱۳۵۲)، «مهر گیاه» (۱۳۵۴) و «کندو» (۱۳۵۴) بودند. بسیاری فیلم می‌دانند. کتاب «فریدون گله: زندگی و آثار»، تنها منبع مکتوب درباره آثار این فیلمساز است که جدا از چند مقاله در باره فیلم‌های گله، شامل گفت‌وگویی مفصل با او است.

این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۸۰ از سوی انتشارات نقش و نگار به چاپ رسید و چاپ بعدی آن با ویرایش و افزوده‌های تازه به کوشش رضا دستکار از سوی نشر خزه منتشر شد.



کتابخانه

پرداختن به اخلاق پزشکی

کتاب «رابطه پزشک و بیمار» به انتخاب، ترجمه و تدوین قربان بهزادیان‌نژاد، در حوزه علوم میان‌رشته‌ای اخلاق، پزشکی و تاریخ اسلام در ۱۸۸ صفحه، توسط انتشارات نگارستان اندیشه منتشر شد. جوامع پزشکی در مناطق مختلف جهان از جمله سازمان نظام پزشکی در ایران بنیاد نهاده شده تا برای مسائل مختلف پزشکی قواعدی تنظیم و بر اجرای آن‌ها نظارت کنند. در این فرآیندها مباحث نظری، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌نمایند و زمینه‌های برای آگاهی از مسائلی که در جامعه پزشکی حائز اهمیت است، فراهم می‌کنند. این اثر با پرداختن به مسئله اخلاق پزشکی و تأکید بر رابطه دوسویه پزشک و بیمار، طیف گسترده‌ای از مخاطبان را به خود جلب می‌کند خوانندگان علاقه‌مند به فلسفه و نظریه‌هایی که در پس‌پس شیوه‌نامه‌های پزشکی نهفته است، کادر حرفه‌ای درمان که در عمل با مباحث این کتاب مواجه روزمره دارند و همه پژوهشگرانی که به مطالعات بین‌رشته‌ای علاقه‌مندند. این اثر نخستین مجلد از مجموعه‌ای است که به موضوع اخلاق پزشکی می‌پردازد. بهزادیان‌نژاد سال گذشته به‌دلیل سخنرانی در نشست کلاب‌هاوسی «گفت‌وگویی نجات ایران»، به یک‌سال زندان محکوم شد و از ابتدای امسال در زندان به‌سر می‌برد.



رابطه پزشک و بیمار
ترجمه و تدوین:
قربان بهزادیان‌نژاد
انتشارات:
نگارستان اندیشه

تاریخ

تصویب پیوستن ایران به پیمان بغداد



«پیمان بغداد» در پنجم اسفندماه ۱۳۳۳ میان وزیران امور خارجه دو کشور عراق و ترکیه به امضاء رسید. این پیمان ماهیت دفاعی و امنیتی داشت و آمریکایی‌ها مشتاق انعقاد آن بودند تا بتوانند از گسترش نفوذ شوروی در منطقه خاورمیانه جلوگیری کنند. از این منظر این پیمان را می‌توان مشابه پیمان «سیتو» میان هشت کشور جنوب شرقی آسیا و پیمان «اسیافیک» میان آمریکا، استرالیا و ونزوئلا دانست. بعد از مدتی انگلستان، پاکستان و ایران نیز به پیمان بغداد وارد شدند. ورود ایران به این پیمان البته موجب اعتراض دولت شوروی شد اما به هر روی در ۱۹ مهرماه ۱۳۳۴ حسین علاء، نخست‌وزیر ایران به دستور محمدزاشاه لایحه الحاق ایران به پیمان بغداد را به مجلس سنا ارائه کرد. مجلس سنا نیز در ۲۶ مهرماه، این لایحه را تصویب کرد. در ۳۰ مهرماه ۱۳۳۴، این معاهده در مجلس شورای ملی نیز به تصویب رسید. در سال ۱۳۳۸ و به‌دنبال کودتای عبدالکریم قاسم در عراق، این کشور از پیمان خارج شد و بدین ترتیب نام جدید «سازمان پیمان مرکزی سنتو» برای این معاهده انتخاب شد. دوده‌ها بعداً با خروج ایران از این پیمان در اسفندماه ۱۳۵۷، این سازمان در عمل منحل شد.